

## فهرست مطالب

سخن مترجم .....	۷
فصل ۱ - روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک رشته .....	۷
<b>بخش اول - ادراک مردم و رویدادها .....</b>	<b>۴۳</b>
فصل ۲ - مفهوم خود .....	۴۵
فصل ۳ - نمایش خود و ادراک اجتماعی .....	۷۳
فصل ۴ - شناخت اجتماعی .....	۱۰۵
<b>بخش دوم - ارزیابی دنیای اجتماعی .....</b>	<b>۱۲۵</b>
فصل ۵ - نگرش‌ها .....	۱۲۷
فصل ۶ - اقناع .....	۱۴۹
<b>بخش سوم - شناخت جایگاه‌مان در گروه .....</b>	<b>۱۷۳</b>
فصل ۷ - نفوذ اجتماعی .....	۱۷۵
فصل ۸ - رفتارگروه .....	۲۰۳
<b>بخش چهارم - تعامل با دیگران .....</b>	<b>۲۲۵</b>
فصل ۹ - جاذبه میان‌فردی .....	۲۲۷
فصل ۱۰ - پرخاشگری .....	۲۴۷

## فصل اول



# روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک رشته

### رئوس مطالب فصل

#### روان‌شناسی اجتماعی چیست؟

روان‌شناسی اجتماعی تأثیرپذیری ما از دیگران را مطالعه می‌کند. روان‌شناسی اجتماعی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تاریخ روان‌شناسی اجتماعی حاکی از آمریکایی بودن این رشته است.

#### تدوین اصول تبیین در روان‌شناسی اجتماعی

خود توسط محیط اجتماعی شکل داده می‌شود و به محیط اجتماعی شکل می‌دهد. فرهنگ به رفتار اجتماعی شکل می‌دهد. دیدگاه‌های «گرم» و «سرد» در نظریه روان‌شناسی اجتماعی.

#### تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی

فرایند تحقیق شامل یک رشته مراحل زنجیره‌ای است. تحقیقات همبستگی اطلاعاتی در مورد جهت و شدت رابطه متغیرها می‌دهند. تحقیقات آزمایشی روابط علت و معلولی را مشخص می‌کنند. فراتحلیل روشی آماری است که نتایج تحقیقات فراوان صورت گرفته را مشخص می‌کند.

پایگاه‌های وب (Web)

## روان‌شناسی اجتماعی چیست؟

### روان‌شناسی اجتماعی تأثیرپذیری ما از دیگران را مطالعه می‌کند

گوردون آلپورت یکی از چهره‌های سرشناس روان‌شناسی اجتماعی تعریفی از این رشته ارائه داده است که ماهیت آن را به خوبی نشان می‌دهد. وی می‌گوید روان‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> رشته‌ای است که با روش‌های علمی «دنبال شناخت و تبیین شیوه تأثیرپذیری فکر، احساس و رفتار انسان‌ها از حضور واقعی، خیالی یا ضمنی دیگران است» (آلپورت، ۱۹۸۵، ص ۳).

برای فهم بهتر این تعریف اجازه دهید مثالی بزنم. نخست ببینیم حضور واقعی انسان‌ها چگونه بر افکار، احساسات و رفتار دیگر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد؟ در جریان بازی بسکتبال موقعی پیش می‌آید که بازیکنان باید در حضور طرفداران تیم مقابل، پرتاب آزاد انجام بدهند. طرفداران تیم مقابل سعی می‌کنند با سرو صدا کردن و حرکت دادن بدن خود، حواس پرتاب‌کننده را پرت کنند تا نتواند امتیاز بگیرد.

در مورد تأثیر حضور خیالی دیگران بر افکار، احساسات و رفتار دیگران هم، موقعی را به یاد آورید که می‌خواسته‌اید کاری را انجام بدهید که خلاف میل پدر و مادرتان بوده است. اگرچه آنها عملاً حضور نداشتند ولی آیا حضور خیالی آنها روی رفتارشان تأثیر گذاشت؟ چهره‌های خیالی به این طریق روی کنش‌های ما تأثیر می‌گذارند که باعث می‌شوند رویدادها را مثل وقتی که حضور دارند، تفسیر کنیم (واتکینز، ۱۹۸۶). این افراد خیالی حتی می‌توانند شخصیت‌های کاملاً تخیلی باشند (کاگی، ۱۹۸۴). وقتی دختر ۹ ساله‌ام لیلیان (Lillian) به من می‌گوید می‌خواهم مثل مولان (Mulan) یکی از شخصیت‌های کارتونی دیزنی که چین را از تهاجم ارتش دشمن نجات می‌دهد باشم، به قدرت شخصیت‌های کاملاً تخیلی پی می‌بریم.

و بالاخره می‌رسیم به این که حضور ضمنی انسان‌ها چگونه بر انسان‌های دیگر تأثیر می‌گذارد؟ آیا تا به حال برای شما پیش آمده در بزرگراه با سرعتی بیش از حد مجاز در

1. Social Psychology

روان‌شناسی اجتماعی رشته‌ای علمی است که قصد دارد شیوه تأثیرپذیری افکار، احساسات و رفتار انسان‌ها را از حضور واقعی، خیالی یا ضمنی دیگران شناخته و تبیین کند.

حال رانندگی باشید و یک دفعه تابلویی را ببینید که روی آن هلی‌کوپتر کوچکی ترسیم شده و زیرش نوشته شده «ما شما را می‌بینیم»؟ آیا حضور ضمنی یک هلی‌کوپتر روی سر شما بر افکار و احساسات‌تان تأثیر گذاشت و باعث نشد پدال گاز را شل کنید؟

این تعریف حتماً به شما کمک کرده است تا بفهمید در این کتاب می‌خواهیم در مورد چه موضوعاتی بحث کنیم. سرچ مسکوویکی (۱۹۸۹) روان‌شناس اجتماعی نامور فرانسوی گفته است روان‌شناسی «پل» ارتباطی دیگر شاخه‌های دانش است. منظورش از پل ارتباطی این است که روان‌شناسی اجتماعی از بینش‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و زیست‌شناسی استفاده می‌کند تا شناخت بهتری از جا افتادن افراد در نظام گسترده اجتماعی بدهد. در این کتاب با اتکا بر این برداشت به تحلیل جامعه‌شناسان، زیست‌شناسان اجتماع‌نگر و انسان‌شناسان از جنبه‌های مختلف رفتار اجتماعی اشاره خواهیم کرد.

### روان‌شناسی اجتماعی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد

شاید تعجب کنید اگر بدانید عملاً دو رشته علمی روان‌شناسی اجتماعی وجود دارد یکی در روان‌شناسی و دیگری در جامعه‌شناسی. همان‌گونه که ادوارد جونز (۱۹۹۸) در درسنامه روان‌شناسی اجتماعی می‌گوید، بزرگترین آنها روان‌شناسی اجتماعی مطرح در روان‌شناسی است. اگرچه هر دو نوع روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه رفتار اجتماعی می‌پردازند ولی از دیدگاه‌های متفاوتی مشتق شده‌اند.

محور روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی، فرد و طرز پاسخدهی وی به محرک‌های اجتماعی است. در این نوع روان‌شناسی اجتماعی نظر بر این است که تنوع رفتاری معلول تفسیرهای مردم از محرک‌های اجتماعی یا تفاوت‌های شخصیتی و خلق و خوی آنها است. روان‌شناسان اجتماعی روان‌شناسی‌گرا حتی در مطالعه پویایی گروه نیز تمایل دارند برای این فرایندها، تبیین‌های فردی بیاورند.

اما روان‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناختی، اهمیت زیادی برای تفاوت‌های فردی و تأثیرات محرک‌های اجتماعی بلافصل بر رفتار انسان قایل نیست. در این نوع روان‌شناسی اجتماعی بیشتر بر گروه‌های بزرگ یا متغیرهای اجتماعی مثل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، نقش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی تأکید می‌شود (استرایکر، ۱۹۹۷). این رشته بیش از «پسر عمومی» روان‌شناختی خود به نقش متغیرهای گروهی بزرگتر در رفتار اجتماعی بها می‌دهد. پس روان‌شناسان اجتماعی جامعه‌شناسی‌گرا بیشتر دنبال تبیین مشکلات اجتماعی خاصی چون فقر، بزهکاری و انحراف هستند. در جدول ۱-۱ این دو نوع روان‌شناسی اجتماعی با هم مقایسه شده‌اند.

با این که تلاش‌هایی صورت گرفته است تا این دو رشته درهم ادغام شوند (بکن، ۱۹۸۳) و اگرچه یک برنامه دکترای مشترک روان‌شناسی - جامعه‌شناسی هم در دانشگاه میشیگان بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۴۶ وجود داشت ولی گرایش‌های متفاوت آنها ما را

### جدول ۱-۱ دو روان‌شناسی اجتماعی

تفاوت‌های روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی	
روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی بر فرد متمرکز است	روان‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناختی گروه یا جامعه متمرکز است.
محققانش سعی دارند با تحلیل محرک‌های بلافصل، حالات روانی و صفات شخصیتی، رفتار اجتماعی را بفهمند.	محققانش سعی دارند با تحلیل متغیرهای اجتماعی مثل پایگاه اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، رفتار اجتماعی را بفهمند.
روش تحقیق اصلی آن ابتدا آزمایشگری و بعد نظر سنجی است.	روش تحقیق اصلی آن نظر سنجی و مشاهده مشارکتی و سپس آزمایشگری است.
مجله علمی اصلی آن The Journal of personality and social psychology می‌باشد.	مجله علمی اصلی آن Social Psychology Quarterly می‌باشد.

به شک می‌اندازد که این دو رشته در آینده‌ای نزدیک در هم ادغام شوند. هر چند روان‌شناسی اجتماعی میان رشته‌ای ممکن است هرگز به‌وجود نیاید ولی این دو رشته روی هم تأثیر می‌گذارند. علاقه‌مندی اخیر روان‌شناسان اجتماعی روان‌شناسی‌گرا به تأثیر فرهنگ بر رفتار اجتماعی تا حدودی معلول اهمیت دادن آنها به رشته جامعه‌شناسی است. همچنین توجه بیشتر روان‌شناسان اجتماعی جامعه‌شناسی‌گرا به تفاوت‌های فردی نیز معرف روی آوردن آنها به بینش‌های رشته روان‌شناسی است.

### تاریخ روان‌شناسی اجتماعی حاکی از آمریکایی بودن این رشته است

روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک رشته علمی فقط صدسال عمر دارد و بیشترین رشدش در پنج دهه اخیر بوده است (مک‌کارتی و هاسلام، ۱۹۹۷). طبق اکثر معیارها، روان‌شناسی اجتماعی رشته جوانی است.

### سال‌های آغازین: ۱۹۳۴ تا ۱۸۸۵

معمولاً از روان‌شناس آمریکایی نورمن تریپلت به عنوان کسی یاد می‌شود که در دانشگاه ایندیانا اولین مطالعه تجربی روان‌شناسی اجتماعی را انجام داد. سؤال مورد نظر تریپلت در سال ۱۸۹۵ این بود که «عملکرد فرد در حضور دیگران چقدر تغییر می‌کند؟» این سؤال وقتی به ذهن تریپلت خطور کرد که متوجه شد سرعت یک دوچرخه سوار وقتی در کنار دوچرخه سواران دیگر رکاب می‌زد نسبت به وقتی که تنها بود، ۲۰ درصد افزایش می‌یافت. او که به مسابقات دوچرخه‌سواری علاقه‌مند بود و می‌خواست علت این تفاوت سرعت را بداند، اولین آزمایش علمی روان‌شناسی اجتماعی را انجام داد. وی از تعدادی کودک خواست با سرعت هر چه تمام‌تر در تنهایی یا در حضور کودکانی که همان کار را انجام می‌دادند، قرقه یک قلاب ماهیگیری را بچرخانند. همان‌طور که تریپلت پیش‌بینی می‌کرد کودکان در حضور یکدیگر، قرقه را سریع‌تر می‌چرخانند. او با انتشار مطالعه‌اش در سال ۱۸۹۸، روش مهم آزمایشی را به علوم اجتماعی معرفی کرد. با وجود اهمیت این مطالعه برای رشته نوپای روان‌شناسی اجتماعی، نسل بعدی محققان، متوجه جنبه‌های روان‌شناسی اجتماعی یافته‌های تریپلت شدند.

با این که تریپلت اولین مطالعه روان‌شناسی اجتماعی را انجام داد ولی آن را شاخه‌ای از روان‌شناسی نمود. اولین مؤلفانی که از این نام استفاده کردند روان‌شناس انگلیسی،



**فلوید آلپورت در سال ۱۹۲۴**  
**کتاب روان‌شناسی اجتماعی را**  
**منتشر کرد که نشان می‌داد با**  
**تمقیق دقیق می‌توانیم**  
**بینش‌های ارزشمندی در مورد**  
**رفتارهای اجتماعی کسب کنیم.**

ویلیام مک‌دوگال و جامعه‌شناس امریکایی، ادوارد راس بودند که با انتشار کتاب‌های جداگانه‌ای در سال ۱۹۰۸ به این مهم و افتخار نایل شدند. مک‌دوگال که موافق دیدگاه فعلی روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی بود می‌گفت در این علم جدید، فرد واحد اصلی تحلیل است در حالی که راس که موافق دیدگاه فعلی در روان‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناختی بود و گروه‌ها را مهم می‌دانست.

روان‌شناسی اجتماعی با وجود شروع رسمی مطرح شدنش به عنوان رشته‌ای فرعی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی هنوز هویت مجزایی نداشت. این رشته چه فرقه‌هایی با رشته‌های فرعی این دو رشته بزرگ داشت؟ روش تحقیق آن چه بود؟ فلوید آلپورت (برادر بزرگتر گوردون آلپورت) در سال ۱۹۲۴ سومین کتاب روان‌شناسی اجتماعی را منتشر کرد و به بسیاری از سؤالات روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی پاسخ داد. امروز با خواندن اظهارات آلپورت می‌توانید ظهور دیدگاهی را شاهد باشید که بعدها به روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی مبدل شد:

به نظر من فقط در درون فرد است که می‌توانیم مکانیسم‌های رفتار و هشیاری را که در تعاملات میان فردی نقش بنیادی دارند بیابیم.... روان‌شناسی گروه‌ها کلاً و اساساً چیزی نیست جز روان‌شناسی افراد.... تمامی شاخه‌های روان‌شناسی، علم بررسی فردند. (آلپورت، ۱۹۲۴، ص ۴)

کتاب آلپورت بر خلاف رویکرد فلسفی‌تر راس و مک‌دوگال در شانزده سال قبل، بر مطالعات آزمایشی خاصی تأکید می‌کرد که در حوزه‌هایی چون هم‌رنگی، ارتباط غیرکلامی و تسهیل اجتماعی صورت گرفته بودند. مشخصه این رشته در سال‌های بعدی، کسب دانش روان‌شناسی اجتماعی از طریق روش‌های آزمایشی کاملاً کنترل شده بود.

## دوران پختگی: ۱۹۴۵ تا ۱۹۳۵



کورت لوین (۱۹۴۷-۱۸۹۰)  
مهاجر یهودی آلمان تمت  
سیطره نازی‌ها، نقش مهمی در  
تثبیت روان‌شناسی اجتماعی به  
عنوان یک رشته علمی قابل  
امتزاج داشت.

## تفکر انتقادی

به نظر شما چرا برخی از  
روان‌شناسان اجتماعی معتقدند  
آدولف هیتلر بیشترین نقش را در  
توسعه روان‌شناسی اجتماعی  
داشته است؟

در سه دهه اول قرن بیستم، روان‌شناسان اجتماعی عمدتاً در حال تولید مفاهیم بنیادی و روش‌های تحقیقاتی مطمئن و دقیق بودند. در اواسط دهه ۱۹۳۰ قایق روان‌شناسی اجتماعی آماده بود تا ایده‌ها و نظریه‌های جدید را سوار کند. دو رویداد مهم در این مقطع تاریخی بیشترین تأثیر را بر روان‌شناسی اجتماعی گذاشتند: رکود بزرگ در ایالات متحده آمریکا و اغتشاش اجتماعی و سیاسی در اروپا بر اثر جنگ جهانی دوم.

پس از سقوط بورس اوراق بهادار در سال ۱۹۲۹، بسیاری از روان‌شناسان جوان بیکار شدند یا نتوانستند کاری به‌دست آورند. بسیاری از این دانشمندان جوان علوم اجتماعی که طعم نیروهای اجتماعی را چشیده بودند حامی آرمان‌های آزادی‌خواهانه روزولت با عنوان "New Dealers" یا دیدگاه‌های تندوتیزتر چپی احزاب سوسیالیست و کمونیست شدند.

این دانشمندان در سال ۱۹۳۶ سازمانی را با هدف مطالعه علمی معضلات مهم اجتماعی و حمایت از اقدامات اجتماعی ترقی‌خواهانه بنا نهادند (استاگر، ۱۹۸۶). در این سازمان که نام آن جامعه مطالعه روان‌شناختی معضلات اجتماعی بود بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی عضویت داشتند؛ کسانی که خواهان کاربرد نظریه‌های جدید خود و فعالیت سیاسی جهت رفع معضلات دنیای واقعی بودند. یکی از خدمات مهم جامعه مطالعه روان‌شناختی معضلات اجتماعی به روان‌شناسی اجتماعی، وارد کردن اصول اخلاقی و ارزش‌ها به بحث زندگی اجتماعی بود.



در همان زمان پیدایش فاشیسم در آلمان، اسپانیا و ایتالیا در بسیاری از مؤسسات آموزشی اروپا یک جو ضد عقلانی و ضد یهودی ایجاد کرده بود. بسیاری از دانشمندان برجسته علوم اجتماعی برای فرار از این آزار و اذیت‌ها به امریکا مهاجرت کردند که بعضی از آنها فریتز هایدلر، کورت لوین و تئودور آدورنو بودند. وقتی ایالات متحده امریکا وارد جنگ شد بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی - امریکایی و اروپایی - دانش خود درباره رفتار انسان را در برنامه‌های مختلف زمان جنگ به کار گرفتند از جمله در انتخاب کارکنان اداره خدمات استراتژیک و تضعیف روحیه دشمن (هافمن، ۱۹۹۲). سودمندی این همکاری ثابت کرد که روان‌شناسی اجتماعی فایده عملی دارد.

یکی از مؤثرترین روان‌شناسان اجتماعی در این درگیری جهانی، کورت لوین مهاجر یهودی آلمان تحت سیطره نازی‌ها بود.<sup>۱</sup> لوین قبل از مهاجرتش به آمریکا در سال ۱۹۳۳ در اروپا به عنوان یک نوآور در رشته روان‌شناسی رشد شناخته شده بود. اما تا سال ۱۹۴۷ که در سن ۵۷ سالگی مرد، بسیاری از مشخصه‌های تعریفی روان‌شناسی اجتماعی را ترسیم کرده بود. یکی از این مشخصه‌ها این بود که شخص و عوامل وضعیتی بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارند. بعدها به این دیدگاه، تعامل‌گرایی<sup>۲</sup> گفته شد (بلاس، ۱۹۸۴) که در آن روان‌شناسی شخصیت (که بر تفاوت‌های مردم تأکید دارد) با روان‌شناسی اجتماعی سنتی (که بر تفاوت‌های وضعیتی‌ها تأکید دارد) ترکیب می‌شد. در بیست و پنج سال اخیر، تعامل‌گرایی به یکی از بخش‌های لاینفک نظریه و تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی تبدیل بوده است (سیمن، ۱۹۹۷). ما به احترام میراث لوین در این کتاب خواهیم گفت که این دو عامل چه نقشی در معادله تعامل اجتماعی دارند. سهم لوین در این رشته فقط به پیشرفت‌های نظری محدود نمی‌شد (اش، ۱۹۹۲). او

۱. هیچ‌کس دقیقاً نمی‌دانست نام کورت لوین (Kurt Lewin) را چگونه باید تلفظ کرد. اوایل که از آلمان به امریکا مهاجرت کرده بود از تلفظ آلمانی لاوین (La-Veen) استفاده می‌کرد. ولی چون فرزندانش از این‌که تلفظ مزبور را برای دوستان امریکایی خود توضیح بدهند خجالت می‌کشیدند (مارو، ۱۹۶۹) لوین خودش را لوو این (Loo-in) معرفی کرد.

2. interactionism

که دوست داشت نظراتش در مورد زندگی اجتماعی را در زندگی واقعی بیازماید نقش بسیار مهمی در تأسیس جامعه مطالعه روان‌شناختی معضلات اجتماعی ایفا کرد و در سال ۱۹۴۱ به عنوان اولین رئیس آن برگزیده شد. او اعتقاد راسخی داشت که روان‌شناسی اجتماعی نباید بر سر این دو راهی قرار بگیرد که یا علم خالص باشد یا یک علم کاربردی. هنوز شعار او مبنی بر این که «هیچ تحقیقی بدون عمل و هیچ عملی بدون تحقیق نمی‌شود» راهنمای آن دسته از روان‌شناسان اجتماعی است که دوست دارند از دانش خود برای رفع مشکلات اجتماعی فعلی استفاده کنند.

در انتهای جنگ، آینده روشنی برای روان‌شناسی اجتماعی در امریکای شمالی دیده می‌شد. روان‌شناسان اجتماعی به واسطه جایگاه عالی خود در جامعه علمی و امکانات و تسهیلات تحقیقاتی جدید، کمک‌های مالی دولتی قابل اتکا و از همه مهمتر، دانشجویان دوره‌های تکمیلی را داشتند. این روان‌شناسان اجتماعی آینده عمدتاً سفیدپوست، مرد و از طبقه متوسط بودند. بسیاری از اساتیدشان محققان اروپایی بودند که کشورشان را ترک گفته و بعد از جنگ در امریکا مانده بودند. در حالی که روان‌شناسی اجتماعی در این کشور در حال پیشرفت بود، تأثیرات مخرب جنگ جهانی تقریباً این رشته را در آن سوی آب‌ها نابود کرده بود. در دوره پس از جنگ، ایالات متحده قدرت بلامنازع جهان شد و همپای صدور کالاهایش به کشورهای دیگر، روان‌شناسی اجتماعی را نیز صادر کرد. این نوع روان‌شناسی اجتماعی محصول ایدئولوژی سیاسی جامعه امریکا و مشکلات اجتماعی این کشور بود (فار، ۱۹۹۶).

### گسترش سریع: ۱۹۶۹ تا ۱۹۴۶

علم در حال نضج روان‌شناسی اجتماعی به مدد روشنفکران اروپایی و روان‌شناسان اجتماعی جوان، مبانی نظری و تحقیقاتی خود را گسترش داد. تئودور آدورنو و همکارانش (آدورنو و همکارانش، ۱۹۵۰) برای فهمیدن این که چطور جامعه متمدنی مثل آلمان تحت نفوذ آدولف هیتلر عوام فریب و بی‌رحم در می‌آید، شاخص‌های روان‌شناختی شخصیت مستبد را بررسی کردند.

چند سال بعد استنلی میلگرام (۱۹۶۳) با انجام آزمایش‌های مشهور خود در زمینه اطاعت، این حوزه تحقیقاتی را پیش برد. روان‌شناسان اجتماعی تأثیر گروه بر فرد (اش، ۱۹۵۶) و قدرت ارتباط اقناعی (هاولند و همکارانش، ۱۹۴۹) را مورد توجه قرار دادند. احتمالاً مهمترین مسیر تحقیقاتی و نظریه‌پردازی این مقطع، نظریه ناهمسانی شناختی

لئون فستینگر است (فستینگر، ۱۹۵۷). طبق این نظریه، افکار و کنش‌های مردم متأثر از میل آنها به حفظ همسانی شناختی است. سادگی این نظریه و یافته‌های تعجب‌آورش تا سال‌ها در روان‌شناسی اجتماعی و بیرون از آن شور و اشتیاق ایجاد کرد.

دهه ۱۹۶۰ دوران بحران در ایالات متحده امریکا بود. در این مقطع کشور دچار درگیری‌های سیاسی، خشونت در شهرها، اعتراضات اجتماعی و جنگ بود. مردم دنبال تغییر سازنده جامعه بودند. در همین راستا، روان‌شناسان اجتماعی در مورد موضوعاتی چون پرخاشگری، کمک کردن، جاذبه و عشق تحقیقات بیشتری انجام دادند. مثلاً تحقیق مبتکرانه الن هتفیلد و الن برشاید (برشاید و هتفیلد، ۱۹۶۹؛ هتفیلد و همکارانش، ۱۹۶۶) در مورد جاذبه میان فردی و رمانتیک نه تنها از لحاظ گسترش دامنه تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی اهمیت داشت بلکه در بیرون از این رشته نیز بحث‌ها و اختلاف نظرها را دامن زد. گروهی از مقامات دولتی و شهروندان عادی معتقد بودند دانشمندان علوم اجتماعی نباید رموز عشق را فاش سازند.

با وجود مخالفت‌های برخی افراد، دولت مرکزی در دهه ۱۹۶۰ بر تلاش‌های خود جهت رفع معضلات اجتماعی توسط دانشمندان علوم اجتماعی افزود. در این چارچوب فرهنگی، تعداد روان‌شناسان اجتماعی به شدت افزایش یافت. در این بین، تعداد زنان به تدریج زیاد می‌شد و با سرعتی کمتر، تعداد اقلیت‌ها. خطوط تحقیقاتی جدیدی در رابطه با رفتار اجتماعی پیدا و علاقه بیشتری به تعامل وضعیت اجتماعی و عوامل شخصیتی نشان داده شد. ازدیاد و تنوع این خطوط تحقیقاتی در دهه‌های بعدی ادامه یافت (پیون و همکارانش، ۱۹۹۶). برخی از نقاط عطف این رشته در جدول ۱-۲ آمده است.

### بحران و بازنگری: ۱۹۷۰ تاکنون

وقتی روان‌شناسی اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم برای اولین بار ظاهر شد و به سرعت گسترش یافت، یکی از پیشگامان آن یعنی تئودور نیوکامب (۱۹۵۱) ابراز نگرانی کرد که انتظارات ایجاد شده خیلی بیش از آن است که بتوانیم آنها را در آینده‌ای نزدیک برآورده کنیم. در دهه ۱۹۷۰ وقتی راه‌حل‌های معضلات اجتماعی دور به نظر می‌رسیدند و مفید بودن و اخلاقی بودن تحقیقات آزمایشی مورد سؤال قرار گرفتند، «بحران اعتماد» محسوس شد (المرز، ۱۹۷۵). همراه شدن این ناامیدی و انتقادات با این ادعای زنان و اقلیت‌ها که تحقیقات و نظریه‌های قبلی آمیخته با جانبداری از دیدگاه مسلط مردان سفید پوست در مورد واقعیت بوده‌اند، بازنگری در مورد قضایای بنیادی این رشته شروع شد.

خوشبختانه از دل این بحران یک رشته سرزنده‌تر و فراگیرتر روان‌شناسی اجتماعی بیرون آمد. معیارهای اخلاقی آن محکم‌تر شد و اگرچه آزمایش کماکان به عنوان روش ارجح این رشته باقی ماند ولی محققان بیش از پیش به مطالعات همبستگی و روش‌های دیگر روی آوردند. روان‌شناسی اجتماعی با در نظر گرفتن اتهامات نژادپرستی و سوگیری جنسیتی، مواضع مسئولانه‌تری اتخاذ کرد گرچه هنوز این سوگیری‌ها به‌طور کامل رفع نشده‌اند (گراهام، ۱۹۹۲).

همزمان با این تحولات در روان‌شناسی اجتماعی امریکایی، این رشته در آن سوی دریاها نیز احیا شد. در دهه ۱۹۷۰، انجمن‌های اروپایی و لاتین روان‌شناسی اجتماعی تأسیس شدند. روان‌شناسی اجتماعی آن سوی دریاها مثل روان‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناختی بیشتر بر متغیرهای میان‌گروهی و اجتماعی تأکید داشت. امروزه بین روان‌شناسان اجتماعی تمام کشورها مبادلات بین‌المللی خوب و قابل توجهی جریان دارد (والا و همکارانش، ۱۹۹۶). یکی از سؤالات اصلی حاصل از این مبادله اطلاعات این است که کدامیک از جنبه‌های رفتار انسان مختص به فرهنگ هستند - یعنی معلول شرایط فرهنگ مورد نظرند - و کدامیک محصول میراث مشترک انسانی. اگرچه هنوز هم امریکا «مرکز ثقل حرفه‌ای» روان‌شناسی اجتماعی است ولی روان‌شناسی اجتماعی اروپا و جهان سوم فرصت‌هایی فراهم آورده‌اند تا از آنچه به نظر برخی از صاحب‌نظران، محدودیت‌های این «مرکز ثقل» می‌باشند بگریزیم (گرگن و همکارانش، ۱۹۹۶). در آینده همین دیدگاه چند فرهنگی بر تحقیقات حاکم خواهد بود.

روان‌شناسان اجتماعی معاصر با استفاده از دانش خود در حوزه‌های مختلف زندگی روزمره مثل قانون، بهداشت، تعلیم و تربیت، سیاست، ورزش و تجارت میراث کورت لوین و جامعه مطالعه روان‌شناختی معضلات اجتماعی را حفظ کرده‌اند (السورت و مائورو، ۱۹۹۸؛ کایندر، ۱۹۹۸؛ سالووی و همکارانش، ۱۹۹۸). این علاقه‌مندی به کار برد اصول و یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، نتیجه طبیعی میل به فهمیدن است.

اگر زندگی این رشته علمی را به زندگی یک انسان تشبیه کنیم باید بگوییم این رشته در میان سایر حوزه‌های علوم اجتماعی، «جوان» محسوب می‌شود. در عین حال بینش‌های حیرت‌آوری در مورد نحوه عملکرد موجوداتی اجتماعی به نام انسان‌ها به ارمغان آورده است. حال اجازه دهید اصول و دیدگاه‌های مورد استفاده روان‌شناسان اجتماعی در نظریه‌پردازی و تحقیق را بررسی کنیم.

## جدول ۲-۱ نقاط عطف در روان‌شناسی اجتماعی

سال‌های آغازین	
۱۸۹۸	نورمن تریپلت اولین مطالعه علمی در مورد رفتار اجتماعی را منتشر کرد. تحقیقات وی بعداً منجر به تربیت گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی شد که کارهای وی در زمینه تسهیل اجتماعی را توسعه دادند.
۱۹۰۸	ویلیام مک‌دوگال روان‌شناس و ادوارد راس جامعه‌شناس به‌طور مجزا کتاب روان‌شناسی اجتماعی خود را منتشر کردند.
۱۹۲۰	ویلی هلیپاچ (Willy Hellpach) اولین مؤسسه روان‌شناسی اجتماعی را در آلمان تأسیس کرد. به‌قدرت رسیدن هیتلر باعث شد این مؤسسه در سال ۱۹۳۳ منحل شود.
۱۹۲۴	فلوید آلپورت سومین کتاب روان‌شناسی اجتماعی را منتشر کرد که صریحاً جنبه روان‌شناختی این رشته را مد نظر داشت و موضوعاتی را مطرح می‌کرد که حتی هنوز هم جزء موضوعات اصلی تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی است.
۱۹۲۵	ادوارد بوگاردوس برای اندازه‌گیری نگرش‌ها در مورد اقوام مختلف، مقیاس فاصله اجتماعی را تهیه کرد. لويس ترستون (۱۹۲۸) و رنسیس لیکرت (۱۹۳۲) ظرف ۱۰ سال حوزه مقیاس نگرش را به پیش بردند.
۱۹۳۴	کتاب ذهن، خود و جامعه جورج هربرت مید منتشر شد که بر تعامل خود با دیگران تأکید داشت.
دوران پختگی	
۱۹۳۶	تأسیس جامعه مطالعه روان‌شناختی معضلات اجتماعی. انتشار کتاب روان‌شناسی هنجارهای اجتماعی مظفر شریف که تحقیقات وی در مورد شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی با استفاده از اثر حرکت خود زاد را توصیف می‌کرد.
۱۹۳۹	جان دالرد و همکارانش فرضیه ناکامی - پرخاشگری را مطرح کردند.
۱۹۴۱-۱۹۴۵	استفاده دولت آمریکا از روان‌شناسان اجتماعی در امور جنگی.
سال‌های گسترش سریع	
۱۹۴۹	کارل هاولند و همکارانش اولین آزمایش‌های مؤثر را در مورد تغییر نگرش و اقناع انجام دادند.
۱۹۵۰	تئودور آدورنو و همکارانش تحقیق خود در مورد شخصیت مستبد را که مطالعه گرایش ضد یهودی بود شروع کردند.
۱۹۵۱	سولومون اش هم‌رنگی با قضاوت‌های غلط اکثریت را نشان داد.
۱۹۵۷	لئون فستینگر، نظریه ناهمسانی شناختی را منتشر کرد که مدلی برای روان‌شناسی اجتماعی روان‌شناختی محسوب می‌شد و موضوعات زیادی را مطرح می‌کرد که هنوز هم جزء مباحث تحقیقاتی اصلی هستند.

## جدول ۱-۲ نقاط عطف در روان‌شناسی اجتماعی (ادامه)

- ۱۹۵۸ فریتز هایدلر کتاب روان‌شناسی روابط میان فردی را منتشر کرد که زمینه‌ساز نظریه اسناد در ادراک اجتماعی شد.
- ۱۹۵۹ جان تیبات و هارولد کلی کتاب روان‌شناسی اجتماعی گروه‌ها را منتشر کردند و در آن نظریه مبادله اجتماعی را شرح دادند.
- ۱۹۶۳ استنلی میلگرام تحقیقاتش را در زمینه اطاعت کردن منتشر کرد و نشان داد تحت چه شرایطی بیشتر احتمال دارد دستورات مخرب قدرتمندان را اطاعت کنیم.
- ۱۹۶۵ تأسیس جامعه روان‌شناسی اجتماعی آزمایشی. ادوارد جونز و کنت دیویس نظرات خود را درباره ادراک اجتماعی منتشر کردند که زمینه‌ساز تحقیق درباره اسناد و شناخت اجتماعی شد.
- ۱۹۶۶ تأسیس انجمن اروپایی روان‌شناسی اجتماعی. در همان سال الن (والستر) هتفیلد و همکارانش یکی از اولین مطالعات صورت گرفته روی جاذبه روانیک را منتشر کردند.
- ۱۹۶۸ جان دیرلی و بیب لاتانه مدل دخالت تماشاگر را مطرح کردند که شرح می‌داد چرا مردم غالباً به کسانی که در وضعیت‌های اضطراری هستند کمک نمی‌کنند.

## سال‌های بحران و بازنگری

- ۱۹۷۲ انتشار کتاب اسناد: ادراک علل رفتار توسط شش نفر از نظریه‌پردازان مشهور حوزه اسناد. در همین سال، رابرت ویکلاند و شلی دووال کتاب خود تحت عنوان نظریه خودآگاهی عینی را منتشر کردند. آنها در این کتاب یک تبیین وضعیتی در مورد نحوه تأثیرگذاری توجه خود فرمان بر شناخت و رفتار، ارائه می‌دهند. این کتاب یکی از اولین تحقیقاتی است که بعدها در حد بسیار زیادی درباره خود توسط روان‌شناسان اجتماعی معاصر مورد استناد قرار می‌گیرد.
- ۱۹۷۴ تأسیس جامعه شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی. ساندرل بسم در پی افزایش علاقه‌مندی به موضوعات جنسیتی، پرسشنامه نقش جنسی بسم و ژانت اسپنس و رابرت هلمریچ پرسشنامه خصایص شخصی را تهیه کردند. هر دو پرسشنامه که از نوع خودسنجی بودند صفات روان‌شناختی مردانگی و زنانگی را اندازه می‌گرفتند.
- ۱۹۸۱ آلیس ایگلی و همکارانش یک رشته فرا تحلیل در مورد مقایسه‌های جنسیتی صورت گرفته در زمینه رفتار اجتماعی انجام دادند که دوباره بحث تفاوت‌های جنسیتی را بر سر زبان‌ها انداخت.
- ۱۹۸۶ ریچارد پتی و جان کاسیوپو کتاب ارتباط و اقتناع: مسیرهای مرکزی و پیرامونی را منتشر کردند که مدل فرایندهای دوگانه اقتناع را معرفی می‌کرد. (به فصل ششم مراجعه کنید).